

از اجازه دولتی تا بدمستی سانسورچیان

۸ شهریور ۱۴۰۱ ساعت ۱۷:۰۶

اولین سانسور مطبوعاتی در دهه ۱۳۲۰ توسط دولت قوام و در پی قحطی سال ۱۳۲۱ از سوی دولت قوام السلطنه اعمال گردید. این قحطی که ناشی از اشغال کشور توسط متفقین و کم‌کاری دولت در اتخاذ تدابیر مناسب بود، در مطبوعات انعکاس زیادی پیدا کرد. در پی اخبار منتشر شده و قحطی به وجود آمده، مردم در ۱۷ آذر آن سال دست به طغیان و آشوب زدند و قوام به این بهانه دستور توقیف روزنامه‌ها را صادر کرد.

بعد از سقوط رضاشاه از قدرت، فضای سیاسی با آزادی نسبی مواجه شد. در این شرایط احزاب و نهادهای مدنی از فضای نسبتاً آزاد و آرامتری نسبت به قبل برخوردار شدند ولی با این حال کنترل مطبوعات و سانسور دولتی همچنان بر سایه بسیاری از روزنامه‌ها سنگینی می‌کرد. این موضوع به خصوص در دوره نخست‌وزیری قوام و سهیلی مشهودتر بوده و با ترور نافرجام شاه به اوج خود رسید. با این حال این دوره از ویژگی‌های خاصی همچون افزایش تعداد نشریات، گوناگونی اندیشه‌ها و دیدگاه‌های مختلف نیز برخوردار است.

سقوط رضاشاه و فضای آزاد سیاسی

با سقوط رضاشاه از قدرت، ناگهان مردم و گروه‌های سیاسی بسان زندانیانی که به یکباره از بند رهایی یافته باشند، آزادانه به فعالیت‌هایی که پیش از آن ممنوع بود روی آوردند. یکی از خارجیانی که در آن روزها از نزدیک شاهد حوادث ایران بود به تشریح وضعیت مردم و روزنامه‌ها پرداخته و آورده است: «مردم ایران در طول پانزده سال گذشته از به زبان آوردن حتی یک کلمه انتقاد از هر چیزی که شاه می‌گفت یا می‌کرد وحشت داشتند. روزنامه‌ها از هر اقدام او به نحوی ستایش می‌کردند که گوئی خداست..... ولی اکنون که او دیگر در اوج قدرت نیست، مردم شروع به بازگو کردن افکار خود کرده‌اند و انسان از چیزهایی که درباره شاه می‌گویند دچار بهت و حیرت می‌شود.»^۱

این فضا باعث شد تا هر روز بر تعداد روزنامه‌ها و مطالب تند و تیز آنان علیه شرایط موجود افزوده شود. چنانچه تعداد نشریات از نظر کمی با رشد قابل توجهی روبرو شد. مطابق با برخی از آمارها در این دوره به خصوص بین سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۲۶ تعداد ۴۶۴ نشریه منتشر شد که از این تعداد، ۴۳۳ عدد به زبان فارسی، ۴ عدد به زبان ارمنی، ۹ عدد به زبان ترکی و سه عدد به زبان کردی و ۲ عدد به زبان فرانسه و ۱ عدد به زبان روسی و ۷ عدد به زبان لهستانی بودند. ۲ با این حال و علیرغم آنکه تعداد نشریات از نظر کمی افزایش یافت، سانسور همچنان از سوی برخی از دولت‌ها اعمال می‌شد.

اولین سانسور مطبوعاتی در دهه ۱۳۲۰ توسط دولت قوام و در پی قحطی سال ۱۳۲۱ از سوی دولت قوام السلطنه اعمال گردید. این قحطی که ناشی از اشغال کشور توسط متفقین و کم‌کاری دولت در اتخاذ تدابیر مناسب بود، در مطبوعات انعکاس زیادی پیدا کرد. در پی اخبار منتشر شده و قحطی به وجود آمده، مردم در ۱۷ آذر آن سال دست به طغیان و آشوب زدند و قوام به این بهانه دستور توقیف روزنامه‌ها را صادر کرد. البته او بعد از کنترل و اتمام شورش مجدداً به بهانه‌های دیگر همچنان به توقیف روزنامه‌ها ادامه داد و در عوض یک روزنامه دولتی به نام اخبار روز را منتشر کرد. گذشته از این مطابق با دستورالعمل دولتی، مطبوعات موظف شدند برای گرفتن امتیاز نشر و انتشار روزنامه اجازه دولتی را کسب نمایند که به اعتقاد بسیاری این اجازه خود مصداق سانسور تلقی شده و بعد از آن وارد قانون روزنامه‌نگاری ایران شد. با این حال بعد از اتمام توقیف کوتاه مدت جراید، بسیاری از روزنامه‌ها کار خود را آغاز نمودند. از ویژگی‌های خاص فعالیت‌های مطبوعاتی در این دوره باید به وارد شدن روزنامه‌های وابسته به حزب توده نیز اشاره نمود که ضمن ورود به عرصه مطبوعات، توانستند به جدال قلمی با بسیاری از جناح‌های فکری رقیب بپردازند. البته این تنش‌ها در سال ۱۳۲۲ و با ورود سیدضیا به ایران رنگ و بوی دیگری به خود گرفت. بر این اساس گروهی از جراید به هواخواهی از مشی سیاسی و فکری وی برخاستند. مظفر فیروز روزنامه رعد امروز را، که احیای روزنامه رعد محسوب می‌شد، در همان سال منتشر کرد که ترجمان حزب اراده‌ملی وابسته به سیدضیا بود. روزنامه‌هایی چون کشور، وظیفه، هور، روزنامه قدیمی کوشش و کاروان غالباً نخستین شماره‌های خود را با طرفداری از سیدضیا آغاز کردند و در ۱۳۲۵ ش، پس از بازداشت سیدضیا، توقیف شدند.^۳

"نقطه عطف دیگر در دنیای مطبوعات و در دهه ۱۳۲۰ در دوره سهیلی رقم خورد. سهیلی" که به دنبال سقوط "قوام" بر سر کار آمد سیاست ضد مطبوعاتی شدیدتری را اتخاذ کرد که باعث اتحاد مطبوعاتی‌ها در مقابل وی شد. سهیلی مجبور شد برای خفقان و سرکوبی مطبوعات از مجلس کمک بگیرد. "حسین فاطمی" در "باختر" نوشت: «این دسته‌ای که به ظاهر حافظ و حامی قانون هستند و با کمال صراحت اصل مسلم قانون اساسی تمنای سانسور جراید را دارند اطمینان قطعی داشته باشند که دیر یا زود سزای بدمستی خویش را خواهند دید.»^۴

بعد از آن و در دولت‌های بعدی نیز سانسور و فشار دولتی همچنان بالاسر مطبوعات بود؛ اما همزمان با آغاز جنبش ملی شدن نفت و پیروزی آن که به روی کار آمدن دکتر مصدق منجر شد، فضایی از آزادی مطبوعاتی به وجود آمد. البته مواضع مطبوعات نسبت به دکتر مصدق متفاوت و متناقض بود. بسیاری از مطبوعات حامی جنبش ملی شدن نفت بودند و البته در مقابل گروهی از جراید، نظیر سفیر و ارشاد ملت، نیز بودند که با دکتر مصدق مخالفت کردند و از دولت رزم‌آرا — که مخالف ملی کردن صنعت نفت بود حمایت نمودند.^۵ در این شرایط مطبوعات دوره‌ای از آزادی را تجربه کردند که در تاریخ مطبوعات پهلوی بی‌سابقه بود. البته ماه‌عسل این اتفاق خیلی کوتاه بود و با کودتای ۲۸ مرداد، مجدداً دوره‌ای از خفقان سیاسی بر مطبوعات حاکم شد.

سخن نهایی

دهه ۱۳۲۰ یک دوره بی‌نظیر در تاریخ مطبوعات دوره پهلوی است. در این دوره مطبوعات به معنای واقعی از آزادی مطبوعاتی بهره بردند و به جدال و رقابت فکری با یکدیگر پرداختند. گرچه در این دوره نیز شاهد توقیف، سانسور و اعمال قوانینی چون کسب اجازه دولتی برای گرفتن امتیاز مطبوعاتی هستیم؛ اما با این حال آن آزادی نسبی نیز توانست در خدمت بسیاری از حوادث

سیاسی آن دهه قرار گیرد. با این حال علیرغم این شرایط برخی معتقدند مطبوعات این دوره نیز نتوانستند از آزادی و فرت به وجود آمده در آن دوره استفاده سیاسی لازم را ببرند و از این فرصت تنها در رواج بدگویی‌های غیرسیاسی استفاده کردند.

فهرست منابع

۱. ریچارد ا. استورات، در آخرین روزهای رضاشاه، تهاجم روس و انگلیس به ایران در شهریور ۱۳۲۰، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۰، ص ۳۱۲.
۲. الول ساتن، «مطبوعات ایران از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶ش» مندرج در کتاب ادبیات نوین ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۲۳۱ برگرفته از مقاله مطبوعات ایران از ۱۳۲۰-۱۳۳۲ ش، دانشنامه ایران زمین.
۳. پروین قدسی‌زاد، سجاد راعی گلوچه، اصغر صادقی یکتا، جراید در ایران، دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائره‌المعارف اسلامی، جلد ۱، ص ۴۹۹۷.
۴. محمدعلی سفری، قلم و سیاست، ج ۱، تهران، نامک، ۱۳۷۱، ص ۹۸ برگرفته از مقاله مطبوعات در عصر پهلوی، سایت پژوهه.
۵. قدسی‌زاد و دیگران، همان، ص ۴۹۹۷.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/48893/سانسورچیان-بدمستی-دولتی-اجازه>